

قادین

ÖZEL

گونی آذربایجان قادینلارینین درگیسی

آسیا جبار نویسنده الجزایری رسما به عضویت آکادمی فرانسز درآمد - 2

المیرا سولیمان اووا

مشروطیت انقلابی نین 100 ایل لیک ایل دونومو مناسبتله - 4

قادینلار - میانالی علیرضا - 6

مشتر و طبیعت
۱۰۰ اونیجو ایل
انقلابیین

ستارخان در ۲۵ آبان ماه
دور از وطن اما در آرزوی
دفن شدن در آذربایجان درگذشت

زبان مهمترین ابزار
فرهنگ بشری
واحد قاراباغلی - 3

آن روزها سولدوز، غیرتی به بزرگی آذربایجان بود - 3

گزارشی از صیافت "حقوق بشر" کنجی و خاطره پونزهائی که بر پیشانی زنان فرو میکرد - 5

آقیش اولسون
آنا آدلی هر قادینا
حبیب ساهرین اثرلرینده
قادین سیماسینا بیر
باخیش - 5

حرکت ملی ، تیرماه 1385 - زهره وفایی - 4

شفاف سازی پیرامون حوادث آذربایجان - 4

2 - 2
معلم تبریزی



چاغداش ، بوگون ياشايان و حاقلاريني آلاماقا قرارلى اولان قادينلارين درگيسي. آذربايجان قادينلاري

بيانيه مادران معلم تبريزي

اگر حقوق طبيعي ملت آذربايجان برسميت شناخته نشود نسيم به طوفان تبديل خواهد شد

سلسله قيامهاى دانشگاهى و مردمى پي درپى و هم سوئى كه در بيش از 30 شهر ترك نشين رويداده است در بر گيرنده يك پيغام بسيار صريح، قاطع و فوري براي همه كسانى است كه فكر ميكنند دوران آپارتايد قومى در ايران هنوز به پايان نرسيده است:

«ملت 35 ميليونى آذربايجان كه طى 85 سال گذشته همواره قربانى مطامع فارس گرايان استثمارگر و آرياستايان نژاد پرست بوده است اكنون با تمام وجود كمر راست کرده و مانند يك ملت زنده و قدرتمند خواهان اثبات موجوديت انكار شده اش مى باشد.»

حافظه تاريخ در ايران و بلکه در جهان، وقوع چنين قيامهاى متحد، مستمر و متوالى را سراغ ندارد. كسانى كه هنوز قادر به درك عظمت حماسه توركها و يا تحليل انقلاب حريت طلبانه ملت آذربايجان نيستند قطعا مصداق همانهاى هستند كه قران كريم از آنها با عنوان كور و كر و لال ياد مى كند.

متعاقب سلسله قيامهاى كوينده ملت آذربايجان، متاسفانه نه تنها حق تحصيل به زبان مادري و داشتن رسانه هاى گروهى سراسرى به زبان توركى به رسميت شناخته نشد بلکه ريبس جمهور کشور صحبت از ضرورت ملي شدن مفهوم عجيب الخلقه اى بنام «تعصب فارسى» در كشورى کرده كه فارسها به سختى 22 ميليون نفر از جمعيت 70 مليونى آن را تشكيل مى دهند.

ما معتقديم؛

بيان چنان جمله اى آنهم در چنين مقطع حساس و پر تلاطمى، نهايت جهل و افراطى گرى از جانب كسى است كه مى بايد در غايت عقل و تدبير ناخداى كشتى ملي باشد!

اهانتهاى مكرر صدا وسيما، كتب درسى، هنرمند نمايان مزدور، نويسندگان نژاد پرست، نشریات رسمى و على الخصوص توهين كثيف دو نشریه فارس گراى ايران و شرق به زبان و ادبيات و تاريخ ملت آذربايجان هرگز و هرگز قابل بخشايش نيست.

غيرت و شرف قومى و عظمت فرهنگى ملت آذربايجان سبب شد تا تركهاى سراسر ايران در رستاخيزى ملي عليه شوونيزم فارس و فحاشيهائى مهوع آن به پا خيزند و در تظاهراتى كاملا آرام و مسالمت آميز، خواهان استيفائى همه حقوق طبيعى و بديهى و اوليه خود به مثابه يك انسان عدالت طلب و يك ملت حريت خواه شوند.

در مقابل قيام مليونى ملت ترك آذربايجان با شعارهاى كاملا مدنى اى چون هاراي هاراي من توركم، نابود باد آپارتايد، زنده باد حق تحصيل به زبان مادري، زبان من هرگز نخواهد مرد و... فاشيزم دست به اسلحه برد و صدها تن از برومند ترين و عزيزترين فرزندان آذربايجان را در خون غلتاند و هزاران نفر اعم از زن و مرد را راهى سياهچالهاى شكنجه نمود. فاشيستها با گلوله هاى ساچمه اى چندين نفر از جوانان را نابينا كردند. چشمان وحيد داورپناه در قيام تبريز فداى وطن شده است.

متاسفانه به رغم اين همه درد و رنج، جمعى از بى دردترين افراد، ملت آذربايجان را متهم به پان توركيسم و تجزيه طلبى و ضديت با فارس كردند. اين اتهامات سخيفانه را تنها مى توان در توبه كسانى پيدا كرد كه يا خود عامل سرکوبند و يا مدافع سرکوب انسانهاى آزاديخواه و مبارز هستند. اين مغرضان و جاهلان از چه روى بر ... ادامه در شماره بعدى

مدرسه يوخ ، تلوزيون يوخ ، گزته يوخ ، آذربايجان استقلال المايدير - مسعود انتظار

بیر آيا ياخيندير کي ملتيميز بيند آشاغیلاندى ، متفرقه ايستکلری اورتايا سورنلرين طرفيندن آلداتیلدی. 80 ایلدير کي ملتيميزين حاقلاری بو 3 ايستکده محدود اولوب و اصل آماجى ، استقلال ، اورتالیفدن سيلينيب و گيزلنديريليب

اينانيلماز بودور کي بعضي ملي فعاللار بو حيله ني آنلامايب و اونا دستک وريرلر. بو فعاللار ملتین گوجونو داغيتيب و بو اوج محدود ايستک ايله ، آذربايجانين گله جگيني قاراليقا دوغرو سورورلر.

بو گون بيزيم بولوموزون نه اولدوغو و نئجه اولدوغو بللي اولماليدير. محدود ايستکلر ايله ، يانليز آذربايجاني باشقا ملتله قريان ورب و مسخره ايله جيک. آذربايجان مسخره ده بير ، آذربايجانين اولو آنا سي باي یک استقلالينا جان وردی منفی مبارزه ني اونه سورنلر ايسه يانليشدا ديلار. منفی مبارزه همان سياست دير کي رضا پهلوي (آمریکادان) ديلره سالدي (مشاوه لردن سونرا) بونون آدين ايسه فويدولار : نافرمانی مدني !

بو سياست تمامی ايله اوتوزدو و داها کيمسه اونون باره سينده دانيشمادي. بيز اما ايندي بو سياستي ايشه آلميشيق ! عجيب ده بير؟

منفي مبارزه آذربايجانين حقلريني اده ائتمز آما ايران رژيمينه زمان ورير کي داها گوجلو و سياستلي ، بيزلري ارادان گوتورسون. ايران فرانسه ده بير ، ايران آمريکادا ده بير ، ايران فارس شوونيسمي الينده و بو شوونيسم کيمسه ني انسان تانيمير مگر فارس (يا فارسلاشميش) اولسون. آيا آذربايجان فارس اولاجاق؟

آذربايجانين حقلريني بير ليسته به يازيب و محدود ائتمک ، اوتوزماق ايله برابر دير. حقلري بيز بيزه تعريف اديب و اويقولامالييق. بو حقلر استقلال دان سونرا اده اديله چک .

تورک ديلينده تلوزيون اولسون آما فارس شوونيسم سياستيني ايلري گوتورسون ! چونکي داها چوخ باتاقدا قلاق؟ شوونيسم ايستکلري تورکي ديلينده يازيلسا بيزه نه فايداسي وار؟ باخن دونيانين اوزگور مدياسيندا! چاليشان فارس بولوملرينه ، آي آذربايجانين باشينا گلنلر ياپينلانديلار؟ خير ، يامازلار . ساباح بيزه تورکي ديلينده پروگرام ياپانلار فرهنگي کيمينلر اولاجقلار. ساباح بيزه گزته يازانلار پاک مهرلر اولاجقلار. ساباح بيزه بيزيم ديليميز ايله سالديراجقلار. نه زمان آيلاجاييق؟

بيزيم حاضرليقيميز نه اولو بيلير؟

ياخيندا آنا باي يکين دوغوم گونو وار ، وطنه جان ورنلرين 40 اينجي گوني وار ، آذربايجانين يارالارين دشليله سي گونلر وار ، 21 آذر داها سونرا گلير و 26 آذر گونلري ، کي هر آيدن انسانين وجدانيندا بير پيچاق کيمين ساپلانيب گلير و...

بيزيم قادينلار هيچ ديشاريا چيخماديلر. دانيلماز بير واقعيدير.

قادينلاريميز استقلالی بير دانيلماز حاقدير. اگر قادين حاقلارينا اينامايان بيزي وارسا ، ملي منافعدن دانيشماسی شبهه لی دير. اگر بو گون قادينلار اوده حبس اديليب اونلارا فعاليت اذنی وريلمزسه ، ساباح مستقل آذربايجان بير نقصان کيمين و بير يارا کيمين انگل اولاجاق. قادينلاريميزا ده ير ورب و اونلارا حق تانيياق. اونلارين ايستکلری و دوشونجه لری سايقيلدير و ساباحکی آذربايجاندا برابر حاقلاری وار. تام برابر.

اويرنجی قيزلار ساغ اولسونلار آما بونلارين آنالريدا حاقلارينا يتيشمه ليدير. هايدی قادينلار، آذربايجانا سس ورين. بللی دير بو شرفسيز دولتی لر وحشيجه سينه قادينلارا داوانيرلار ، آما ميليونلار قادينا نه ياپا بيليرلر؟

گنجميش گونلر دونيا بيزي بايکوت ائندي. کيمسه بيزيم درديميزي يامادي. ايران اولدوردی ، کسدي و توتدی آما دونيا سوسدي ! بو دونيايا بو گوندن پلانيميز اولماليدير.

بوگون بيزيم عباسلار اچليق اعتصابيندا ، بيزيم امانيلار خسته خسته شکنجه آلتيندا ، آذربايجان بوگون زنداندير .

خبرلريميزي داها گوجلو گروپلار ايله ياييلماليدير. داها گوجلو و حاضرليقلي اولوب و ساتيلميشقاتلرين اؤتونه چيخيلماليدير. مدني اولماق هر زمان قازاندير و نتيجه

ورمز. باخين اولولريميزين قاني هله قاينايير. عائله لري هله جيگرلرينين پارچاسيني قوجاقلارينا المايبيلار ، هله آنالار اورکلرينه دانيشا بيلميلر. هله آذربايجانين ديلي دانيشا بيلمير

مدني اولماق انتحار دئمکدير. اؤنجه سالديران بيز ده بيرک آما سوسوب ، اولن و يانان ، يانليز بيزلر اولمامالييق بير تک سوز و سس ايله چيخمالييق: استقلال

هر کس ، هر تشکيلات و هر آذربايجانلي اؤنجه استقلال و اؤزگور وطنه دوشونمه ليدير. استقلال اولمازسا حکومت ، ديل و گله جک ايتيب گديب.

گلين برابر اولوب ، استقلاليميز آيب و هويتيميزين سايقيسيني گارانتتي ادک و سونرا حکومته دوشونوب آذربايجاني اداره ادک

قئزلدان اولسا قفسيم ، آزادليقا وار هوسيم

آسيا جبار نويسنده الجزايری رسما به عضويت آکادمی فرانسز درآمد

آسيا جبار نويسنده سرشناس الجزايری - فرانسوی رسما به عضويت آکادمی فرانسز درآمد. که مهمترين بنياد فرهنگي زبان فرانسه به شمار می رود. نويسنده ۶۹ ساله که مسائل حاد زنان بومي و مهاجر شمال آفريقا را در آثار داستانی خود تشریح کرده، ۲۵ سال گذشته را در الجزاير و فرانسه و ایالات متحده سپری کرده است.

او نخستين نويسنده عرب است که در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵ به عضويت در آکادمی فرانسز انتخاب شد و روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن عضويت او رسميت يافت. او در عين حال نخستين چهره فرهنگي است که از یک مستعمره سابق فرانسه به عضويت معتبرترين بنياد فرهنگي اين کشور در می آيد.

"زخم عميق استعمار"

خانم جبار در سخنرانی خود در مراسم ورود به آکادمی فرانسز به ميراث سنگين استعمار فرانسه در آفريقا حمله کرد.

او گفت: "استعمار که نيکان ما در طول چهار نسل بار آن را تحمل کردند زخم عمیقی است که باز هم برخی از سياستمداران تلاش می کنند به خاطر بهره برداری در انتخابات ياد آن را زنده کنند."

اشاره خانم جبار به آن دسته از سياستمداران فرانسوی بود که به دنبال شورشهای جوانان در پاریس و شهرهای ديگر در زمستان امسال، مهاجران مستعمرات سابق فرانسه در شمال آفريقا را "عنصر نا امنی در جامعه مدرن فرانسه" دانسته بودند.

امپراتوری فرانسه در سال ۱۸۳۰ الجزاير را فتح کرد و تا استقلال الجزاير در سال ۱۹۶۲ اين کشور را تحت استعمار نگاه داشت.

خانم جبار در داستانهای خود مسائل حاد زنان مسلمان و تلاش آنها را برای دستيابی به هويت مستقل و رهايی در جوامع پدرسالار ترسيم می کند. خانم جبار در سال ۱۹۲۵ به دنيا آمده و امروزه یکی از بهترين و جسورترين نويسندگان شمال آفريقا به شمار می رود.

ستارخان در 25 آبان ماه دوزخ وطن و در آرزوی دفن شدن در خاک آذربايجان درگذشت

پدرم تعريف می کرد پس از واقعه پارک اتابک، ستارخان را مجبور کردند در تهران بماند. پس از آن حادثه بود که پدر بزرگم چهار سال زخمی که از آن مهلك تر از دردی داشت. پدرم با آنکه برداشتن پدر بزرگ، داشت، اما به ياد روزها همه مثل ستارخان دوام



مثلاخره هم در يك آبان ماه دور از وطن دفن شدن در خاک درگذشت. اين حرف ها را نوه ستارخان از پدرش و ساير بزرگ ترهای فاميلشان شنیده بود و برايم نقل می کرد. «بهرور سردار» را سالروز امضای فرمان مشروطه در خانه مشروطيت دیدم. برادرش بهزاد که چشم هایش را از ستارخان به ارث برده بود، همراهي اش می کرد. نوه سردار ملی تعريف می کرد که از پدر و عمه هایش شنیده است: «بعد از فتح تهران برخی از مجاهدان به حاشيه رفتند و كسانی مثل ستارخان، باقرخان، ثقه الاسلام تبريزی و... قرباني شدند.» به نوه ستارخان نگفتم اين رسم تاريخ است و انقلاب بچه هایش را می خورد. وقتی نبروهای روس به تبريز حمله کردند و شهر را گرفتند،



چاغداش ، بوگون یاشایان و حاقلارینی آلاماقا قرارلی اولان قادینلارین درگیسی. آذربایجان قادینلاری

آن روزها سولدوز، غیرتی به بزرگی آذربایجان بود - یاشار اورمولو

مقدمه:

پس از انتشار طنز و کاریکاتور توهین آمیز در روزنامه "ایران" بر علیه هویت ترک ، به زودی قیامهای اعتراض آمیز سراسر آذربایجان را فرا گرفت. به نظر اغلب کارشناسان مسایل سیاسی و اجتماعی موضوع کاریکاتور بهانه ای پیش نبود و باید انگیزه اصلی قیام سراسری ملت آذربایجان را در چندین دهه ظلم، تحقیر و تبعیض فاشیسم و شونیسم فارس جستجو کرد.

در شروع امر اعتراضات از دانشگاهها و توسط دانشجویان ترک آذربایجان آغاز شد. دانشجویان متعدد ترک با اعتراضات دامنه دار و ممتد خود آرام - آرام افکار عمومی آذربایجان را تحت تاثیر قرار دادند و چندی نگذشت که قیامهای زنجیره ای شهرهای آذربایجان و افکار عمومی جهانیان را به خود معطوف کرد. بسیاری از کارشناسان مسایل منطقه ای در کمال ناباوری به حوادث آذربایجان پرداخته و تحرکات سیاسی در آذربایجان را به عنوان موضوعی مهم و تأثیرگذار در روند مسایل مربوط به ایران، خاورمیانه و منطقه ارزیابی کردند.

حوادث خردادماه 1385 در آذربایجان از جنبه های مختلفی قابل بحث و بررسی است. بدین منظور باید در شروع امر رویدادها (تا حد امکان با ذکر جزئیات) به رشته تحریر در آیند. بدیهی است که بدون در دست داشتن اطلاعات درست و دقیق به دست دادن ارزیابیهای علمی و کارشناسانه از مسایل دشوار خواهد بود. به اذعان شواهد و اسناد ما ترکان در طول تاریخ اگرچه همواره در صدر تاریخ سازان بوده ایم، متأسفانه در نگارش، تدوین و حفظ آن سعی لازم را نکرده ایم و بالاجبار دیگران آنگونه که خواسته اند تاریخ را نوشته و رقم زده اند! آیا امروز تاریخ باز هم تکرار می شود؟!

علیرغم اینکه امکان نگارش و پرداختن به موضوع توسط بسیاری از فعالین حرکت ملی آذربایجان وجود دارد، متأسفانه با گذشت نزدیک به 2 ماه از قیامها، تاکنون شرح دقیق و جزئی نگر هیچ یک از قیامهای شهرهای آذربایجان منتشر نشده است. در مدت کمتر از 2 هفته بیش از 20 شهر بزرگ و کوچک آذربایجان شاهد حوادث غرورانگیز بود. در این بین حتی بعضی از روستاها هم شاهد تظاهرات اعتراض آمیز بود. شایسته است که حوادث همه شهرها با ذکر تمامی موارد لازم برای ثبت در تاریخ و استفاده تحلیلمان نگاشته شود.



در حین قیامها اخبار و گزارشهای پراکنده ای از شهرهای مختلف آذربایجان به ویژه در صفحات اینترنتی منتشر شده و اطلاعات کلی در دست می باشد. باید متذکر شد از معدود شهرهایی که اخبار و گزارشهای آن تاکنون در حد ناچیزی منتشر شده است، شهر سولدوز(نقده) است. در حالیکه ابعاد سرکوب مردم مقاوم سولدوز توسط نیروهای نظامی و انتظامی حکومت جمهوری اسلامی ایران از هر جای دیگر شدید بود.

نوشته حاضر به مسایل و حوادث فراموش نشدنی سولدوز در روزهای قیام مردمی آن خطه می پردازد. بی گمان در بردارنده اطلاعات کاملی نیست، ولی به نظر می رسد که برای اطلاع از چگونگی رخداد حوادث مفید خواهد بود. در اینجا از عزیز ناشناخته ای که اطلاعات اولیه این نوشته را در اختیار اینجانب قرار داده است، تشکر کرده و به مرور حوادث سولدوز قهرمان می پردازیم.



در سطح شهر سولدوز از روز 29 اردیبهشت ماه چندین اطلاعیه برای گردهمایی و تجمع اعتراض آمیز بر علیه عمل اهانت آمیز روزنامه ایران پخش شده بود. در این اطلاعیه ها از مردم خواسته شده بود تا در 3 خرداد ماه در مقابل دانشگاه آزاد اسلامی، در 4 خردادماه در مقابل ساختمان اداره ارشاد اسلامی و در 5 خردادماه در مقابل دانشگاه پیام نور تجمع کنند.

روز چهارشنبه 3 خردادماه 1385:

ساعت 14:00 نزدیک به 1000 نفر از دانشجویان ترک دانشگاه آزاد اسلامی سولدوز با اخذ مجوزهای لازم در محوطه دانشگاه تجمع کرده و شعارهایی از قبیل (هاری- هاری من تورکم)، (آند اولسون ستارخان، قان سالارام تهران) و ... سردادند. آنها سپس از دانشگاه خارج شده و به سمت شهر روانه شدند. در این حین بسیاری از مردم در خیابانها به جمع دانشجویان پیوسته و جمعی 20 هزار نفری را تشکیل دادند. مردم به سوی دانشگاه پیام نور در حرکت بودند. ضمن عبور از خیابانهای امام، وحدت و خیابان دانشگاه به پیام نور رسیدند. داخل دانشگاه شده و بدون بروز هر گونه درگیری شعار دادند. آنها سپس از دانشگاه خارج شده و به طرف فرمانداری شهر رفتند. ساعت 17 در میدان شهرداری روبروی فرمانداری تجمع نموده و شعارهای ملی و همچنین شعارهایی در حمایت از قیامهای تبریز و اورمیه سر دادند. در این هنگام فرماندار شهر محمد امین فرد (نام قبلی فرماندار محمد چوپانی است) بر بالای سکوی رفته و شروع به سخنرانی می کند: (من هم از این مسئله پیش آمده ناراحت هستم و از همه شما قدردانی می کنم ...) در این لحظات 2 نفر از جوانان وارد فرمانداری شده و ضمن آنکه شعار سر می دهند، از فرماندار می خواهند که او نیز شعار دهد. فرماندار شعار (آذربایجان اوپاقدی، اؤز دیلینه دایاقدی ، هاری - هاری من تورکم) سر می دهد. چند نفر از تجمع کنندگان به نمایندگی از سوی تجمع کنندگان اعلام می کنند که فردا هم در ساعت 18:00 در مقابل اداره ارشاد اسلامی تجمع خواهیم کرد. فرماندار هم از مردم می خواهد که بیایند و پس از آن تجمع و راهپیمایی به پایان می رسد.

روز پنجشنبه 4 خردادماه 1385:

در ساعات اولیه روز پنجشنبه مورخه 4 خردادماه، فرمانداری به تمامی ادارات شهر ابلاغ می کند که از امروز هر گونه گردهمایی غیر قانونی بوده و با شرکت کنندگان در هر تجمع و راهپیمایی برخورد خواهد شد. بسیاری از مردم که از این اطلاعیه فرمانداری هیچگونه خبری نداشته اند، از ساعت 15 در مقابل اداره ارشاد تجمع می کنند. نیروی بسیج به پراکنده ساختن تجمع کنندگان اقدام می کند. تجمع کنندگان که بر مبنای موافقت فرماندار در روز قبل تجمع خود را قانونی و اصولی می پنداشتند، با نیروی بسیج که به کابلهای برق، شیلنگ و لوله های سبز مجهز بوده اند، درگیر می شوند. پس از مدتی درگیری نیروهای بسیج فرار می کنند و در ساعت 17 یگان ویژه نیروی انتظامی وارد عمل می شود. این نیرو با مردم درگیر نمی شود.

جمعیت 30 هزار نفری در ساعت 18 به اداره ارشاد می رسند. مردان در مقابل ساختمان اداره و زنان نیز در پشت اداره و روبروی باشگاه حجاب تجمع می کنند... ادامه در صفحه 6

زبان ، مهمترین ابزار فرهنگ بشری - واحد قاراباغلی

آنچه که هر جامعه را از جوامع دیگر تمییز می دهد ، خصوصیات است که شناسنامه ای فرهنگی آن جامعه به حساب می آید. تاریخ و گذشته تاریخی، وطن و سرزمین نیاکان، باورها، زبان، عقاید، دین و اسطوره های مذهبی، حماسه ها، هنر و ادبیات کهن، نژاد و قومیت و سنن قومی عناصری هستند که "هویت فرهنگی" هر جامعه را می سازند. (1) آنتا دیوپ انسان شناس، آفریقایی در مقاله ای در باره هویت فرهنگی هر فرد می نویسد: هویت فرهنگی هر جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخ، زبان و روان شناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هر گاه این عوامل به طور کلی در يك ملت یا فرد وجود نداشته باشد ، هویت فرهنگی ناقص می شود تلفیق موزون این عوامل يك وضعیت ایده آل است. هرگاه یکی از این عوامل تحت تاثیر قرار گیرد، شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می کند. این تغییرات ممکن است تا آن جا ادامه یابد که موجب يك " بحران هویتی" شود. (2)

زبان نیز یکی از مهمترین ابزار فرهنگ هر ملت می باشد، همانا زبانها و فرهنگهای متفاوت دست آوردهای بشری در هزاران سال زندگی خود بر روی کره ی خاکی و در واقع در بچه هایی متفاوت زبانی ، نگرش متفاوت آنها به هستی است، تگ تگ آنها گنجینه های ارزشمندی هستند که مستحق محافظت و شکوفایی می باشد ، خداوند متعال در کتاب آسمانی ما مسلمانان چندین مرتبه به اهمیت " گونا گونی" زبانها و "تعداد اقوام" اشاره نموده و عظمت ان را همسان با خلقت زمین و آسمان نامیده و همه اینها را نشانه ای برای دانشمندان می داند هر چند که در پستگاه عظمتش تنها عامل برتری و تمایز پرهیز کاری و تقواست. همانا زبان نخستین وسیله ارتباطی بین انسانها و رایج ترین و کار آمد ترین ان در طول قرون متمادی در میان طوایف، اقوام و ملل جهان بوده استدر دنیای امروز زبان دیگر مثل گذشته تنها وسیله ارتباطی ساده بین انسانها نیست، بلکه زبان نشانه هویت و مهمترین عامل در شناسایی موجودیت و مشخصه يك ملت زنده و پویا است، زبان وسیله ای است که انسان توسط آن کاخ فرهنگ و مدنیت خویش را بر پا می سازد و اندیشه و عقیده و ایمان را استحکام می بخشد. از این روست که دانشمندان گاهی از زبان به عنوان کلید شبکه های ارتباطی و گاهی نیز سرمایه فرهنگی یاد می کنند.

بنابر قولی مشهور از کادامر وجه اساسی بودن انسان در جهان زبان است. که افراد با تسلط بر آن می توانند علاوه بر برقراری روابط اجتماعی نوعی هویت ویژه کسب می کنند . وینگنشتاین یکی از فیلسوفان جهان معاصر جمله ای دارد که تعریف زبان را به مراتب روشن تر از همگان ارائه می دهد او در جمله ای کوتاه به اندیشه ای بسیار بزرگ می پردازد : "زبان من جهان من است و جهان من زبان من" تاملی مختصر در این جمله اندیشمندانه معانی بلندی از رابطه ذهن و زبان فراهم می آورد. از اینرو هویت فرد چه در سطح قومی و در سطح ملی تا حدود زیادی بستگی به زبانی دارد که او فرا می گیرد. وقتیکه از حفظ ، تقویت و توسعه فرهنگ يك جامعه سخن به میان می آید، زبان به عنوان يك عامل اساسی مطرح می شود، چرا که زبان در حکم رشته ای است که فرهنگ گذشته و حال را به هم پیوند می دهد. زبان پدیده بیرونی نیست . انسان با زبانش زاده میشود در زبانش سیر می کند، در حریم زبانی خود تنفس می کند، رشد می کند و می میرد.

زبان هر ملت به مثابه ظرف حضور ان ملت در کره ی خاکی است یعنی اینکه برای شناخت ملتی باید زبان او را شناخت. شاید آوردن ضرب المثل معروف فرانسوی که می گوید: "هرکس زبان مادری خود را نداند يك وحشی است." در اینجا بیجا نباشد. بنابر این امروزه سازمان های علمی و فرهنگی دنیا سعی در بررسی و محافظت از زبانهای متفاوت و حتی مواظبت از زبانهای قلیل المتکلم در حال نابودی دارند. چند سالی می شود که جهان روز 21- فوریه اول اسفند شمسی - را در حالی سپری می کند که یونسکو Unesco بزرگترین نهاد فرهنگی دنیای معاصر ان را روز جهانی زبان مادری نام نهاده است. درک هوشمندانه طراحان این روز در سال پایانی هزاره دوم(1999 و آغاز هزاره سوم- هزاره ای که جهان با عزمی تمام به سوی "دهکده" شدن می تابد و نظریه ای که مارشال لوهان در اواسط دهه 90 بدان پرداخته بود جامه عمل می پوشد - بیانگر اهمیت فوق العاده زبانهای متعدد و اقوام متنوع ساکن در این دهکده بی کران است. امه سه رز شاعر سیاهپوست می گوید: "هر فرهنگی برای اینکه شکفته شود. نیاز به چارچوبی دارد و به ساختمانی که زبان را می توان ... ادامه در شماره بعدی



چاغدش ، بوگون یاشایان و حاقلارینی آلاماقا قرارلی اولان قادینلارین درگیسی. آذربایجان قادینلاری

مشروطیت انقلابی نین 100 ایل لیک ایل دونومو مناسبتیه

احمد یزدانی-آلمان

گیریش

ایران تاریخینده حال حاضرکی دؤوره قده ر اوج دولت فورماسی موجود اولموشدور. بیرینجی فورما مطلق پادشاهچیلیق دیر کی ، 20 - نجی عصرین اوللرینه قده ر دوام اندیب. ایکینجی فورما 1906 - نجی ایله ن 1979 - نجی ایله قده ر دوام آنده ن مشروطیت پادشاهچیلیقی و نهایت اوجونجو فورما اسلام جمهوروسو ولایت فقیه دؤورو دیر کی ، ایندی دک دوام اندیر.

دولت حقوقو باخیمدان ، ایران نولکه سی 1906- ایلدن 1979- نجی ایله قدر پارلامنتار اساسلی مشروطه پادشاهچیلیقی ایدی. اونون اساسینی 1906- نجی ایل ایران آنایاساسی و 1907- نجی ایل "اساس قانونا علاوه" سی تشکیل اندیردی. غریب دموکراتیک اساس قانونلاری، خصوصیه 1831- نجی ایل بلژیک اساس قانونو اساسیندا حاضرلانیمیش ایران اساس قانونو ، حاکمیتین بؤلونمه سی پرنسیپی اساسیندا تشکیل اندیلیمیشدی. بو او دنمکدیر کی، شاهین 1906- نجی ایلدن اولکی مطلق حاکمیتی ، پارلامنتین موجود اولماسی نتیجه سینده محدودلاشدیریلیمیشدیر. حکومت بوندان سونرا پارلامنت قارشیسیندا مسئولیت داشیان وزیرلر واسیطه سیله اداره اولونمالی ایدی.

دیگر حقوقلارلا یاناشی ایران اساس قانونو اهالیه اشاعیداکی اساس حقوقلاری وترپردی :

- قانون قارشیسیندا برابرلیک

- مطبوعات آزادلیقی

- سؤز و بیغینجاق آزادلیقی

بوتون بونلار:

عننه لریندن ، 1799- ایل انسان حقوقلاری بیاننامه سیندن و 1831- ایل (Magna Charta, Bill of Rights)

بلژیک اساس قانونون اساس حقوقلار کاتولوقوندان گؤتورولموشدور.

آنچاق انکار اندیلیمز بیر حقیقتدیر کی ، شاه دورونون سونونا قدر اساس قانونون نظریه سی و اساس قانونون تطبیقی بیر بیرله هنج وجهده اویغون اولمایب و عکسینه ، لازیم تمیزلیکلردن سونرا اساس قانون داها چوخ کیچیک بیر حاکیم طبقه نین امتیاز و منافعی نین قانونلاشدیریلماسی اوجون بیر وسیله یه جنوریلیمیشدیر.

غرب نولکه لرینده پارلامنتاریزم اساسلی ، دموکراتیک دولترین عمله گلمه سی اوزون مدتللی سوسیا ل-اقتصادی و مدنی انکشافین نتیجه سینده ممکن اولموشدور. مثال اوجون بو نولکه لرده حیات سوبه سی وخالقین سیاسی یتکین لیلی یوکسک بیر درجه یه چاتاندان سونرا عموم سنچکی حقووقون کسرلی تطبیقی امکان پذیر اولموشدور.

1906- نجی ایله پارلامنتاریزم اساسیندا مشروطه سیستمی تطبیق اندیلیدیکه ، بو شرطلر ایراندا هله یینیدن عمله گلیردی. بو دؤورده انگلستان و روسیه نین نفوذو آئیندا ایراندا کهنه فنودال اجتماعی قورولوشون گنتد یکجه دنیشیلیمه سی اوزونو گوستیریدی و بونولا علاقه دار مختلف طبقه لرین اجتماعی قورولوش حاققیندا کی تصورلری ده دنیشیردی. بو او دنمکدیر کی ، مشروطه - پارلامنتاریزم سیستمی حاققیندا ایران اهالی سینین بویوک حصه سینین اولجه دن هنج بیر دقیق تصور بوخ ایدی. بوندان علاوه مطبوعات واسطه لری چوخ جزئی ایدی و اهالی نین 90% - اید سوادسیز ایدی. اونلار آنچاق آغیر سوسیا ل وضعیتدن و ایالتلرده والی لرین اؤز باشینا حکمرانلیغیندان قورتلوشلاری اوجون مشروطه انقلابیندا اشتراک اندیردیلر.

انگلستان و روسیه نین ایرانا سوخولماسی ، ایلک نوبه ده ایران ممتازلارینین یوکسک اجتماعی موقع توماسینا امکان یاراتدی. بو قورولار اساسا، انگلستان و روسیه ایله آل - وئر سایه سینده تجارت بورژوازی نین یوکسک زیروه سینه قدر قالخان تاجرلرو ایری ملکه دارلاردان عبارت بیر قورویو ایدی. اونلار فنودال-تجارت سیستمین (مرکانتیل) حکم سورمه سینین طلب اندیب و بو مقصد چاتماق اوجون قدیمدن موجود اولان فنودال- مطلق سیستمین آرادان قالدیریلماسینی طلب اندیردی . 1906 - نجی ایله مشروطه پادشاهچیلیق سیستمی تشکیل اندیلیدیکدن سونرا تئزلیکله آیدین اولدو کی ، تجارت بورژوازیسی و ایری ملکه دارلار سرای و عننه وی قوه لرله بیرلشمه یه گیریب وبتله لیکه ایراندا دموکراسیین حیاتا کنچیریلیمه سینه منفی تاثیر بوراخدیلا. اونلار دولتده حقیقی حاکمیتی اله کنچیریب و اساس قانوندان فنودال- مرکانتیل سیستمی قوه ده ساخلاماق مقصدیه استفاده اندیردیلر. بونولا یاناشی اونلار اولکه نین انکشافی و مستقل صنایع لشمه سیندن ده قورخوردورلار. چونکو عملیه خارجی تضیق لر و همچنین داخلی سیاسی عننه وی قوه لر اوللارین موقعینی تهلیکه آلتینا سالیردی... **آردی کلن ساییدا**

حرکت ملی ، تیرماه 1385 - زهره وفاپی

علیرغم تفسیر ها ، تعبیرها و تحلیل های مغرضانه ، حرکت ملی آذربایجان همچنان به روند مدنی خود ادامه میدهد . این حرکت که با پشتوانه میلیونی مردم آذربایجان عملا خود را در تاریخ کشور و منطقه به ثبت رسانده است ، هنوز هم در مسیر مطالبات قانونی و مدنی مردم پیشتاز است .

کارکرد این حرکت اگر چه در تابلوی نموداری آن جهش ها و رکودهایی را به نمایش میگذارد معینا در بطن آن هیچ تغییر و تزلزلی به چشم نمی خورد . راز پایداری حرکت در یک جمله خلاصه میشود : شعور آری ، شور نه !

تمایل حریصانه مردم آذربایجان از هر قشر و طبقه و از هر سن و سال برای اندوختن علم و دانش و آگاهی ، بوژه در خصوص تاریخ - مدنیت - زبان و دیگر متعلقات خویش ، از سووی ونه گفتن به شانتاز های گمراه کننده از سوی دیگر ، حرکت ملی را همچنان در موضع قدرت نگاهداشته است . جریانات اخیر که نمودار حرکت را به تکانه و متغییر هایی واداشت ، آزمون سختی بود که حرکت امیدوارانه از آن نیز گذشت .

انتظاراتی عبث که از پیامد ها می رفت ، هرچند که گاهی کاملا واضح و عریان در قالب تحلیل ها و تفسیرها و نظرها اعلام گردید ، چون بر آورد نشد ، پس میتوان نتیجه گرفت که مفسران فوق آگاهی از حرکت را نداشتند و ندارند .

اعلام اعتراض جمعی در یک برهه ده روزه در اقصی نقاط آذربایجانی نشین همگی با یک شعار متحد ، با یک حرکت متحد و یک درخواست متحد ، اگر نشاندهنده اتحاد و همفکری مردم آذربایجان در راستای مطالبات خویش بود ، برخوردهای متفاوت به این اعتراض جمعی از سوی ارگانهای مختلف ، نشاندهنده همان عدم شناخت حرکت از سوی همان ارگانها بود .

حرکت ملی در این برهه ده روزه توانست استقلال فکری خویش را با اظهار برائت از حاشیه نشین ها ، با اظهار برائت از فرصت طلبان ، با اظهار برائت از آشوبگران ، از مغرضان ، از نا آگاهان ، از شهرت طلبان ، و از تمامی اقشار و افراد نامحرم ، رسما اعلام نماید .



انتظار ادامه اعتراضات خیابانی علیرغم دعوت های مکرر از سوی گروهها و افراد ، عقیم ماند . چراکه حرکت برای بیان اعتراض خود همان یک روز را کافی میدید . انتظار اغتشاش در داخل اعتراض نیز با هوشیاری حرکت چی ها عملا عقیم ماند . انتظار اعتراض غیر معقول به برخوردهای غیر معقول نیز دیدیم که بی جواب ماند .

بعنوان مثال حضور دکتر چهرگانی در ترکیه و سپس در جمهوری آذربایجان و سپس دپورت نامبرده از هر دو کشور ، انتظار اعتراضاتی مشابه را داشت . اما حرکت با بهره گیری از این مورد توانست استقلال خود را عملا از دولت های ترکیه و جمهوری آذربایجان به اثبات برساند . از سوی دیگر ادعای کسانی را که گاموح را بعنوان رهبری کل حرکت قلمداد می نمایند ، به زیر سنوال ببرد .

و یا بعنوان مثال حضور مردم در برابر استانداری ها و فرمانداری ها و مجلس شورای اسلامی ، انتظار کسانی را که سعی وافر مینمودند این حرکت را به نام ضد حاکمیت و یا عامل خارجی سرکوب نمایند ، عقیم گذاشت . این حضور نشان داد که ملت آذربایجان هنوز هم دولت ایران را به رسمیت میشناسند و مطالبات خویش را از افراد صاحب مسئولیت دولتی طلب مینمایند . و اگر غیر از این بود بالطبع مردم در برابر کنسولگری های کشورهای دیگر و یا سفارتخانه های کشورهای بیگانه و یا مجامع بین المللی اجتماع مینمودند .

و یا بعنوان مثال علیرغم تبلیغاتی که سعی در انتصاب کورکورانه حرکت در تبعیت از تلویزیون گون آز تی وی یا دیگر مراکز فعال خارج از کشور می رفت ، حرکت با تصمیم های آنی و ضرب الاجلی خویش و با رد برخی از پیشنهادات آن مراکز همچون تجمع در میدان انقلاب تهران و یا حضور در قلعه بابک ، این انتظار و انتصاب را نیز عقیم گذاشت .

انتظار اعتراضات نسنجیده از سوی مردم نسبت به دستگیریها و حبس های بی دلیل نیز می بینیم که نه تنها عقیم ماند بلکه حرکت با بهره گیری از این تاکتیک اشتباه برخی ارگانها ، مطلوبیت حرکت ملی را در عرصه برخوردها ، به بهترین وجه به نمایش عموم گذاشت و توانست از این راه درصد بسیار بالایی از اقشار

بنماید . چراکه هر محبوس حداقل خانواده ای دارد که دلیل قانونی فرد بازداشت شده خویش را می طلبد و با ارجاع به قوانین کشوری و بین المللی میتواند دریافت که جایی از این کار می لنگد .

و باز بعنوان مثال مراسم سالگرد قلعه بابک اگر چه انتظار میرفت باز با حضور مردم و برخوردهای قهر آمیز آشوب دیگری بر پا شود ، مشاهده گردید که این انتظار نیز چگونه به نحوی غیر منتظرانه بر آورد گردید . اگرچه مسئولان با تحمل زحمت و هزینه ای سنگین مانور قدرت را به نمایش گذاشتند اما مردمانی که این هزینه برای آنها پیش بینی شده بود کاملا غیر منتظرانه و کاملا معقولانه تاریخ مصرف قلعه بابک را تمام شده اعلام نمودند و در واقع بابک را از حبس دوازده هزارساله آزاد نموده و به داخل شهرها بردند . به هر حال حرکت ملی آذربایجان از شفافیت و وضوح بسیار بالایی برخوردار است و هیچ نکته کنگ و مبهمی که باعث وحشت کسی یا کسانی شود در آن وجود ندارد . مفسران و تحلیل گران مادامی که با دید تنگ نظرانه و انحصار گرایانه به حرکت می نگرند ، طبیعی است که این اهوی خرامان را دیوی هفت سر تصور نمایند و تصور اگرچه در قسه ها جالب و سازنده است . اما در حقایق روز و وقایع تاریخی مضر و ویرانگر است . هیچ کس مثل خود حرکت چی ها نمی تواند تفسیر و تعبیر از حرکت ملی ارائه دهند و از آنجا که هیچ بخل و تنگ نظری در ذات صادق آذربایجانی ها نیست ، هر داوطلب بی غرضی میتواند الفبا حرکت ملی را از مردم آذربایجان بشنود و بیاموزد .

زهره وفاپی - تبریز

شفاف سازی پیرامون حوادث آذربایجان -شهنارغلامی

مقدمه

دراین نوشتار ابتدا حوادث تاریخ ساز و تاثیرگذار اخیر آذربایجان از دریچه رسانه های داخلی مورد بررسی قرار گرفته است و سپس حرکت مدنی مردم آذربایجان در دهه اول خرداد ماه سال 1385 در سه بخش تحت عناوین:

- مشخصه های حرکت مدنی آذربایجان
- عوامل حرکت مدنی آذربایجان
- مطالبات حرکت مدنی آذربایجان

مورد تحلیل قرار گرفته است. امید است ، این نوشتار توانسته باشد ، در پشت این فضای سیاسی غبارآلود، فضای حقیقی و درد آور حیات اجتماعی مردم حماسی آذربایجان را به تصویر بکشد .

اکنون روزها ست که از واقعه اول خرداد می گذرد. تعداد زیادی از دوستان و همفکران ما که دوشادوش هم دردها مراسم و برنامه مشترک شرکت کرده بودیم، در خیابانها به جرم بزرگداشت بزرگان سرزمینمان همچون باقرخان ، ستارخان ، صمد بهرنگی و... کتک خورده بودیم و زندانی شده بودیم و بر فراز قلعه پر افتخار بابک نامیرا ، حماسی ترین سروده ها را فریاد کرده بودیم .

اکنون اکثریت آنان در زندان های مخوف حاکمیت اسلامی به جرم عشق به آزادی و عدالت و تحقق مردم سالاری و هویت خواهی به اسارت گرفته شده اند .

نیروهای امنیتی با خشونت و قساوت بی حد و مرز ، بدون داشتن احکام قانونی به خانه آنها هجوم آورده اند و به جرم براندازی و تجزیه طلبی همه را به حبس برده اند . ما از وضعیت زندانیان و نحوه رفتار نیروهای امنیتی با آنان کاملا بی اطلاع بود و به شدت نگران امنیت جانی تک تک زندانیان دستگیر شده در مناطق ترک نشین هستیم . خانواده های دستگیرشدگان از نظر روانی در وضعیت بسیار اسفناکی بسر می برند و گویی تمامی آذربایجان به قلب تپنده مبارزه طلبی و عدالت جویی و آزادیخواهی در آمده است .

امروز مردم آذربایجان در سرتا سر ایران آمده اند تا حق خود را مطالبه کنند چرا که حق اگر مطالبه نشود ، قابلیت پرداخت ندارد . امروز مردم آذربایجان آمده اند تا با سرمایه عظیم و عمیق... **ادامه در صفحه 5**

سندندر قفسی - حمید آرش آزاد

انسان اولوب، انسان اوچون یاشاماق
انسان اولوب، انسان اوچون یاشاماق
از ادلیق اوغروندا آخان قانلارین
هر داملاسی مین بیر ندیز شرف دیر

باغیم سیز وطنی ، آزاد اولکه نی
غیرتین ، شرفین قدرینی بیلن
جانان عزیز ساتار شرفلی انسان
قیزیر قانماز نچه داملا قانیندان

بیزستارخان ، حاج آلاهیاریاوغلوبوق
اصلائین بالاسی ، اصلان اولمالی
تاریخیمیز افتخارلا دولو دور
کیم دنییب: اوددان کول، کولدن اود اولور!؟

یابانچی بایراغی هنج وافت، هنج زامان
اصلان آل قانینا بویانیرسادا
بیزیم اولکه میزه کولگه سالانماز
تولکو کولگه سینده دالدا لاتانماز

بؤلوموز قورتولوش ، شرف یولودور
آجی تیکان اولاق دوشمن گؤزونه
گل آل _ اله ونریب ، گندک بو یولو
آنچاق دوست یولوندا، قیزیل گول کولو

عومرونده بیر نفس آزاد یاشاسان
گل سیندیر قفسی ، از ادلیغا چیخ
سنه قالان یالینز او بیر نفس دیر
قفس قیز یلسا دا ، گننه قفس دیر



گوتی آذربایجان قادینلارینین درگیسی

چاغداش ، بوگون یاشایان و حاقلارینی آلاماقا قرارلی اولان قادینلارین درگیسی. آذربایجان قادینلاری

ادامه شفاف سازی پیرامون حوادث آذربایجان از صفحه 4

گنجینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نقشهای بدیع بیافرینند و چنان همیشه تاریخ شگفت انگیزی و اثر بخشی نمایند، از محدوده نظریه و تئوریاها یا فراتر نهدند و با مقوله عمل در حیات جمعی هم میز گردند. باری اکنون ملت آذربایجان با حرکت های تازه شکل گرفته، در حال بیدار شدن از خوابهای چندین ساله است تا آثار آن زخم های که در دوران پهلویان بر او وارد آمده بود و در زمان استقرار حاکمیت اسلامی نه تنها این زخم ها التیام نیافت بلکه رفته رفته تشدید گشت و می شود ، از روح و روان خود پاک کند .

در اینجا روزانه هزاران نفر، زن و مرد از جان گذشته به خیابانها می آیند و بی هراس از هجوم و حمله و کشتار و قتل عام پاسخ همه استخاله ها و مهجور بودن از هویت تاریخی ، فرهنگی و زبانی خود را فریاد می زنند، صدها نفر زخمی و دهها نفر کشته می شوند . بیمارستان ها آمار دقیقی از آنان به هیچ کس ارائه نمی دهند و از سوی دیگر خود مجروح شدگان نیز برای اینکه شناسایی نشوند از رفتن به بیمارستان ها امتناع می ورزند . اکنون هفته هاست که سرزمین مادری ما، با شکوه و مقاوم ، در مسیر توقف ناپذیر تاریخی خود زخمی و دردمند در زیر چکمه های نظامیان نفس می کشد .

حرکت مدنی مردم آذربایجان از نگاه رسانه های داخلی

روزنامه ایران شماره 3469 روز جمعه مورخ 22/2/85 در ضمیمه صفحه کودک خود به چاپ مطلبی در قالب عباراتی سنسجیده و بی مفاخره نمود و در آن به فرهنگ، زبانی شخصیت مردم ترک زبان توهین و اهتان نمود . این عمل باعث اعتراضات گسترده در دانشگاهها ، محافل فرهنگی ومجامع عمومی گردید، اعتراض هایی که طی روزهای گذشته دامنه آن به شهرها و مناطق مهم از جمله تبریز، ارومیه ، اردبیل ، زنجان ونقده و ... کشیده شد و بیش از 30 نماینده مجلس خواستار استیضاح وزیر ارشاد شدند و حتی یکی از نمایندگان خواستار عذرخواهی رئیس جمهور از مردم آذربایجان شد. شرکت کنندگان در این اعتراض مدنی خواستار مجازات مسئولان روزنامه ایران گردیدند . اما این اعتراضات کاملا مدنی توسط گروهی اغتشاشگر که با هویتی ناشناخته وارد جریانات شدند و با اعمال هرج و مرج طلبانه شیسه های بانگها و موسسات دولتی را شکستند واتوبوس ها را به آتش کشیدند و به اموال دولتی خسارات زیادی وارد آوردند تا حدود زیادی از مسیر اصلی مطالبات مردمی منحرف گشت.

شعارهایی که در آن روزهای پر التهاب توسط مردم آذربایجان داده می شد و تا حدودی بیانگر خواسته های آنان میباشد ،عبارتند از:
آذربایجان وار اولسون - ترک دلیلی رسمی اولسون (پابنده باد آذربایجان- زبان تورکی رسمی شود)
پاشاسین آذربایجان (زنده باد آذربایجان)
اولوم اولسون فاشیسته (مرگ بر فاشیست)
هارای - هارای من تورکم (فریاد - فریاد من تورک هستم)
آنادیلیم وار اولسون - دشمن لریم خوار اولسون (زبان مادری ام زنده بماند- دشمنانم خوار شوند)
آذربایجان اولیاخی - فارسلا بیزه فونا خدی (آذربایجان بیدار است - فارسی زبانها مهمان ما هستند)
ا ولوم اولسون شووینیسته (مرگ بر شووینیست)
بیز اولمه ی حاضریرک - بابکین اتولادییک (ما برای مردن آماده ایم - ما از نبیره بابک هستیم)

همزمان با گسترده شدن دامنه اعتراضات در داخل کشور در خارج نیز اعتراضات وسیعی علیه این اقدام توهین آمیز نسبت به ملت ترک انجام گرفت، که از جمله می توان به خبری اشاره داشت که در هفته نامه "میتاق " یکی از نشریات وابسته به جناح راست در شماره 212 تاریخ 8/3/85 چنین آورده شده است: "طی روزهای اخیر اقدامات مشخصی در حمایت از این طیف به عمل آمده است، برخی نمایندگان مجلس باکو آشکارا از آشوب گران حمایت کردند در تاریخ 2/3/85 تعدادی از اعضاء احزاب ضد ایرانی در باکو مقابل سفارت ایران تجمع کرده و در مقابل چشمان پلیس دولت باکو پرچم ایران را آتش زدند ...به محض وقوع آشوبها سایتهای متعدد و جدیدی برای پوشش تبلیغاتی ایجاد شد که نشان می دهد اقدامهای آشوبگرانه در داخل و اقدامات خارجی؛ به صورت مجموعه ای هماهنگ عمل می کنند."

در پی اعتراضات مردم استان های آذربایجان هیئت نظارت بر مطبوعات در پنجاه و دومین جلسه از دهمین دوره خود که به طور فوق العاده در روز سه شنبه 2/3/85 برگزار شد با اکثریت آرا روزنامه ایران را توقیف کرد .

به گزارش ایسنا هیئت نظارت بر مطبوعات این روزنامه را به دلیل انتشار مطالب تفرقه افکن و تحریک آمیز و با استناد به تبصره ماده دوازده قانون مطبوعات و بر اساس بند 5 ماده 6 همان قانون توقیف و به دادگاه ارجاع کرد و همچنین "مانا نیستانی " طراح کاریکاتور و "قاسم فر" سر دبیر روزنامه " ایران جمعه" بازداشت شدند و تحریریه روزنامه ایران این عمل سخیف را خطایی از سر غفلت و اشتباه و شاید بی مبالایی عنوان کرد. تحریریه روزنامه ایران دو بار در تاریخ های 26 و 28 اردیبهشت در صفحه اول روزنامه ایران عذرخواهی هایی را چاپ کردند

همچنین مسئولان این روزنامه در اولین شماره بعدی روزنامه "ایران جمعه" یعنی 29 اردیبهشت در مطلبی تحت عنوان "ما را خیال رنجش باران نبود" بار دیگر سعی کردند عمدی نبودن اشتباه خود را تکرار کنند.

نشریه سیاسی- اجتماعی " میتاق " شماره 212 تاریخ 8/3/85 که دیدگاههای جناح محافظه کار را بازتاب می دهد "اعتراض گسترده مردم آذربایجان را وابسته به "جریان بیگانه گرا" عنوان کرد که در نقاب دفاع از زبان، فرهنگ و حقوق آذربای علییه وحدت ملی وامنیته ملی و در راستای منافع بیگانه گان عمل می کند. به اعتقاد آنها جریان تجزیه قومی از یک سو با پنهان شدن در نقاب آذربایجان تلاش میکرد خود را بر آمده از جامعه آذری نشان دهد و از سوی دیگر با پرهیز از مخالفت سریع با نظام می کوشید ماهیت ضد ایرانی و ضد انقلابی خود را از چشم سیاستمداران ساده نگر- درون حاکمیت - پنهان نگه دارد. این در حالی است که "روح الله رشیدی " در نشریه "آذر پام" وابسته به همان جناح شماره 164 تاریخ 8/3/85 از اینکه اقشار متدین وانقلابی نتوانسته اند رهبری اعتراضات را به عهده بگیرند و یا نمایندگان مردم تبریز و مسئولین از حضور در راهپیمایی اعتراض مردم اجتناب ورزیده اند و در نتیجه در فقدان این گزاره ها افرادی سوار بر امواج احساسات پاک مردم شده اند ابراز تا سف کرده است.

آقای "آقازاده" رییس کل دادگستری آذربایجان ضمن آنکه ادعا کرده است هیچ فرد متشخص ویا دانشجویی در بین دستگیر شدگان نیست و همه دستگیر شدگان ارادل و اوپاش سابقه دارهستند . در مصاحبه ای آذر پام" با روزنامه محلی "عصرآزادی " شماره 1241 تاریخ 11/3/85 انجام داده است در مورد حوادث اخیر آذربایجان بدون توجه به گستره عمیق و وسیعش چنین گفته است:"عوامل اصلی آشوب چند ریز گذشته در تبریزتومرشد 71 تن از بان ترکبستهمانافقین ،ضد انقلاب و حزب مشارکت و ارادل اوپاشا پروننده داربوندند که 51 تن از آنها بازداشت و حکم 20 نفر دیگر که فراری هستند صادر شده و تحت تعقیب هستند."

وی می افزاید: "آشوب گران در روز واقعه به بیست دستگاه اتومبیل شخصی خسارت وارد و پانزده مغازه متعلق به مردم را تخریب کردند، همچنین دوربین و وسایل شخصی مردم عادی را معدوم و چند حمایت مستمندان موسسه خیریه را تخریب یا معدوم کردند." شیشه سی و پنج بانک شکسته و دو بانک را آتش زدند و به دو دستگاه ماشین شهرداری نیز خسارت وارد شد، اینها همان ارادل ، اوپاش، مغرضین، آشوبگران و فرصت طلبان هستند. که اعتقادی به مردم و اموال آنان ندارند و جیره خوار دشمنان و ضد انقلاب هستند واز خارج هدایت می شوند."

مشخصه های حرکت مدنی مردم آذربایجان

— از آنجایی که خاستگاه این اعتراض عمومی دانشگاهها و نهادهای فرهنگی است بنابراین می توان آن را اعتراض مدنی به شمار آورد .
— بر حق بودن اعتراضات علاوه بر گروههای سیاسی - اجتماعی فعال در کشورازطرف مسئولین سیاسی و قضایی نیز مورد تأکید قرارگرفته است .
— حرکت اعتراضی مردم آذربایجان یک حرکت خود جوش - اصلی - مردمی است .
— احیای فرهنگ اصیل خودی به عنوان اصلی ترین خواسته اعتراض کنندگان مورد درخواست قرار گرفته است .
— حرکت اعتراض آمیز اخیر حرکتی عمل گرا محسوب می شود و چنان بنظر می رسد که فاقد برنامه ریزی تشکیلاتی و سیستماتیک می باشد .
— در تشویق مردم برای گسترده تر شدن دامنه اعتراضات GUNAZ T.V _ کانال تلویزیونی عمومی نقش مهمی را ایفا کرده و می کند .
— جنبش مدنی حاضر از سوی کشورهای ترکیه و آذربایجان شمالی مورد حمایت قرار گرفته است .
— پایه های اقتصادی در حرکتها اعتراضی - با توجه به اینکه اهمیت و تاثیرات پایه های اقتصادی در بطن زندگی مردم غیر قابل انکار بوده و رابطه مستقیم با نوع تفکر و اندیشه یک جامعه دارد، در حرکت اخیر مردم آذربایجان نیز بحران اقتصادی در این منطقه - که پس از دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانجی از رتبه دوم اقتصادی کشور به رتبه شانزدهم سقوط کرده است - باعث شد مردم معترض نسبت به افرادی که با هویت مجهول در این اعتراضات به ساختمان بانکها که از مراکز مهم اقتصادی دولت بشمار میروند،حمله کردند واکنش جدی از خود نشان ندهند و این امر موجب تخریب بیش از پیش ساختمانهای مراکز اقتصادی دولت شد.

این جنبش از سه جهت مورد تهدید و آسیب واقع است:

— گروهی که به طرزی هیستریک و بیمارگونه برآندند تا اعتراضات مدنی مردم آذربایجان را با عناوین مختلف از قبیل تجزیه طلبی، اقدام علیه امنیت ملی و ... مورد بهره برداری قرارمی دهند که هیچ وقت و در هیچ کدام از حرکتهای مدنی با تمامی دخالت ها و آشوب گریهایشان چهره مشخصی از خود نشان نداده و به صورت مبهم ولی در تمامی امور دخالت می کنند.
— از سوی نیروهای حاکمیت، همچون بسیج ، گروههای فشارو سربازان گمنام امام زمان (عج) که با رخنه در ارکان آن سعی دارند این جنبش اعتراض آمیز مردمی را ... ادامه در شماره 2 اؤزل قادین

گزارشی از ضیافت "حقوق بشر" گنجی و خاطره پوزنهانی که بر پیشانی زبان فرو میکرد - زحمتکش

در میسر رفتن به سالن دانشگاه سواز (در لندن - روز 14 جولای) هستم. پشت چراغ قرمز، توجه ام رو حرفهای یکی از سه مردی که با هم اتفاقی همسیر هستیم جلب میکنه که داره میگه: سوسن به من گفت برو بچه ها رو ببین وگرنه من که از حرفهای گنجی خوشم نیامدا! پیش خودم میگم عجب شنوندههای مشتاقی به ضیافت حقوق بشر گنجی دعوت شدن!

به محوطه ساختمان دانشگاه سواز نزدیک میشم، به سالنی نزدیک میشم که قراره یک "حزب اللهی" دهه 60، یک عامل سرکوب همکار شکنجه گران یعنی گنجی برای مدعیون رنگارنگش از "حقوق بشر" حرف بزنه. انهم در تابستانی که هر روزش یادآور قتلعام زندانیان سیاسی سالهای 60 و 67 است. قتلعام نسلی که رژیم جمهوری اسلامی براه انداخت و داغ تنگش از پیشانی این رژیم زدودنی نیست. قتلعامی که هرچه بیشتر از اون میگذره، اثرات ضد انقلابی اش رو بیش از پیش در پیشبرد اهداف شوم جنایت کاران میشه با پوست و گوشت خود لمس کرد، نسل کشی و قتلعامی که عزیزترین دوست و همکلاسی ام سودابه رو در اثر جنایتی که همین عالیجناب گنجی در آفریدن اون نقش داشتن از ما گرفت. او هم مثل هزاران دختر مبارز دیگر در زندانهای جمهوری اسلامی بعد از شکنجه های "حقوق بشری" حامیان منافع سرمایه داران زالوصفت و امپریالیستها به او، قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفت و پدرش بعد از شنیدن خبر اعدامش، آواره خیابانها شد. به قول معروف "سر به بیابان گذاشت" تا روزی که جسد او را در کنار خیابانی پیدا کردند! آیا کسی هست که همسایه، دوست، رفیق، خواهر یا برادر، پدر یا مادرش توسط این جنایتکارها شکنجه و اعدام و یا تیرباران نشده باشد؟

سالن دانشگاه سواز مملو از جمعیتیست که آمده اند تا به سخنرانی گنجی گوش کنند. عدهای نیز در بیرون سالن منتظر بودند که گنجی به داخل سالن برود. بی اختیار یاد حرف یکی از آن سه مرد که پشت چراغ قرمز دیده بودم میافتم! دور میزهایی که معمولا کتابهای مربوط به تم سخنرانی چیده میشود، تنها چند اعلامیه و دو کتاب به چشم میخورد! آخر اگر قرار بود که کتابهای "حقوق بشر" جمهوری اسلامی چیده میشد، انوقت هم میز کم میامد و هم ظرفیت این سالن!!



اللهی ندارد- ایستاده و اینطور به نظر میرسد که سعی دارد که لیخند را از صورت خود دور نکند! او ظاهرا به حرفهای مرد جوانی که مشغول گفتگوی آرامی با اوست گوش میکند! اما پس چرا چیزی نمیگوید؟ زنی در این هنگام با صدایی رسا خطاب به گنجی میگوید: آقای گنجی چرا جواب نمیدهید؟ حضار دعوت شده به "ضیافت سکوت" که گویا منتظر شکستن سکوتی بودند که گنجی داشت، یکباره سرپا گوش میشوند!

گنجی که با "خندان" جلوه دادن صورت خود همچنان سعی میکرد خود را بر خود مسلط کند میگوید: سوال نشده که جواب بدم، جواب چه چیزی را بدم؟ حتما گنجی پیش خودش میگوید الان از من میپرسد که نظرات راجع به "آزادی بیان" چیست؟ اما زن دوباره با صدای رسا در همانجایی که ایستاده میگوید: جواب پوزنهایی که در سال 60 بر سر زبان فرو میکردید تا به اصطلاح "حجاب" را رعایت کنند، تا حجابیشان را بر سرشان "محکم" کنید را بدهید! پوزنهایی که کروی در سال 78- آن موقع که شما در جبهه "اصلاح طلبان" قرار گرفته بودید، با یادآوری آنها داشت دستتان را رو میکرد! گنجی که رنگ از رخسارش بریده و لیخندش در حال محو شدن بود، در حالی که سعی میکند نقش حزبالهی خود را در سال های 60 کتمان کند، خود را به نادانی زده و حدیث... "دختران معاویه، خسن و خسین..." را ذکر میکند. در این هنگام دو مرد جوان با ملایمت و حس همکاری با آن زن، رو به او کرده و میگویند که ناطق نوری بود و نه کروی! زن ضمن تشکر از آنها دوباره به گنجی میگوید: اگر چه کروی و ناطق نوری هر دو یک ماهیت دارند ولی با معذرت از حضار محترم، بله ناطق نوری به شما آقای گنجی گفت. مگر شما آقای گنجی همان کسی نبودید که در سال 60 پونز بر پیشانی و سر زنان فرو میکردید که حجاب خود را محکم کنند بطور حالا اصلاح طلب شدهاید؟! گنجی که دیگر نه لیخند مصنوعی اش را بر صورت دارد و نه رنگی بر چهره، به جای پاسخ دادن به زن شروع به طفره رفتن میکند و بر سر اشتباه اسمی (کروی و ناطق نوری) قصد ... ادامه در شماره بعدی

آغیش اولسون آنا آدلی هر قادینا

یازان : محمد رضا کریمی - زنجان

ایشاره :

بو ایل ، مقاومت شعریمیزین سارسیلماز تمیلچي سي «حبیب ساهر» ین دؤغومونون یوزونجو ایل دؤنومودور. همین مناسبت ایله قلم صاحب لریمیز و شاعیرلریمیز طرفیندن مجموعه لر ، مقاله لر و شعرلر یارانماقدادیر. بورادا آقای « محمدرضا کریمی »نین زنجان شهریندن بیزه گؤندردیگی «حبیب ساهرین اثرلرینده قادین سیماسینا بیر باخیش .» موضوعونداکی مقاله سینی تقدیم ائدیریک.

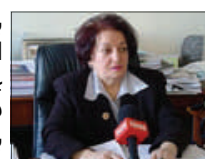
«حبیب ساهرین اثرلرینده قادین سیماسینا بیر باخیش»

حبیب ساهرین رومانتیکیاسی آیری بیر دونیادیر ، لاپ شاعیرانه بیر دونیادیر. سنوگی ، طبیعت ، دویغو و اینسان روحیه سی الوان چالارلارلا بورادا بویلانیر. بورادا عشق و سنوگی ایله نفرت قارشیی قارشییادانیر ، گاهدان همان سنوگی یانیندا بیر مقدس نیفرت ده جانلانیر. سنومک باچارمایان اوره ک نیفرت ده آنده بیلمز و نیفرت آنده بیلمه ین اوره ک سنوگی نین نه اولدوغونو بیلمز. حبیب ساهر رومانتیکیاسیندا موباریزه و دؤیوش ده وار. او گؤزللیکلری آغیشلاییر ، بو گؤزللیک اینسانلاردا ، طبیعتده و روحلاردا واردیر، طبیعت رنگارنگ بویالاری هاوانین چئشیدلی دورمو ، قیز - گلین لرین اینجه دویغولاری ، پاک آریزلاری، اولارین دردلری هابئله جامعه میزین بو پاک معصوم اینسانلارا اوغرادییگی مصیبت لری ائله شاعیرانه قلمه آلیر کی اوخوجونون روحونو او شاعیرانه رومانتیکیک دونیایا آیاریر ، مصیبت لری اریدید ، دردلری بیلیندیریر و قیز - گلین لرین بوتون آرزوی - ایستک، درد و غم لرینی تانیتدیریر و جامعه میزین یاریسینین اوره ک سؤزلری آجیقلایر. ساهرین شعرلرینده درد دیله گلیر ، دردلی شعرلر ، ده چوخدر ، هامیسی دا اثرل سؤزودور ، آخی او ، اسیر ائللرین شاعیری دیر. شاعیر نظرینده ائلیمیز تکجه دیل یونه میندن بیر دئییل بلکه حیاتین یوکوده آغیردیر ، اغیر :

قارانلیق کؤچودور، قار - یاغیش یاغیر
ائللرین دردی آه ، اغیردیر ... اغیر
... آردی کلن سایدا

آیدین قادینلار

المیرا سولیمان اووا،
Steering Committee of the Asia-Pacific Women's Watch
بیر اویه سیدیر. بو اورگانیزاسیون دونیا دا بویوک اولان NGO لاردان بیرکی سایلییر.
تانیمنیش بیر قادین و آسیا دا بیر فمینیست آیکونا دونوشموش بیر آذربایجانلی خانیم سولیمان اووا ، آذربایجان قادین و ایلریله مه اورگانیزاسیونون پریزنتیدیر.



بو اورگانیزاسیون قادینلارین ایتیم و آراشدیرما بولوومونده چالیشیر و آذربایجانلی قادینلارا یاردیمچی اولور. بونون یانیندا قادینلارا حقوقی یاردیم ورماقا غیرت گوستریر. بو اورگانیزاسیون 18 اینترناشنال اورگانیزاسیون ایله باغلانتیدادیر. بوندان علاوه قادینلار ایش فورما یا ایشلرینی ایئرلتمک اوچون بو اورگانیزاسیوندان یارارلانا بیلیرلر.
المیرا سولیمان اووا یا باشاریلار آرزوسی ادیریک.

NGO - دولته باغلی اولمایان اورگانیزاسیون



چاغداش ، بوگون یاشایان و حاقلارینی آلاما قاررلی اولان قادینلارین درگیسی. آذربایجان قادینلاری

گونی آذربایجان قادینلارینین درگیسی

قادینلار - میانالی علیرضا

اوزون ایللردن بری اولکه نین آزادلیغی و استقلالیتی اوغروندا کیشی لرله چی یین- چی یینه مبارزه آپاران قادینلارین مبارزه سی ایکینجی دنیا محاربه سی دؤورونده و اوندان سونراکی ایللرده داها دا شدتلنمیشدیر.

20 - جی عصرین اوللریندن ایران قادینلاری ان ابتدائی حقوق لاردان بئله محروم ایدی. قیزلار اوچون یازیب- اوخوماق بؤیوک بیر گوناھ حساب اولونوردی. کنچمیشده قادینلارین ساوادلانماسی بیرنوع عائله پوزغونلوغی کیمی قلمه وئرلیردی. قادینلارین حقوقونی مدافعه ائدن هنج بیر قانون یوخ ایدی.

1905-1911- جی ایللرین مشروطه حرکاتی دؤورونده قادین لارین دا بو انقلابدا اشتراک ائتمه سینه باخمایاراق اونلارا یئنه ده حقوق وئرلمه دی. لاکین ، آذربایجاندا گئدن ملی- دئموکراتیک حرکاتیمیزدا قادینلاردا بویوک رول اوینادیلار. ایستر 21 آذر حرکاتی نین حاضرانماسیندا، ایسترسه ده اونون موفقیتلری نین قورونماسیندا، اصلاحاتلاری نین حیاطا کنچیرمه سینده قادینلاردا کیشی لرله چی یین- چی یینه ووروشموش، مبارزه آپارمیش و حتی اؤز جانلارینی دا بولدا قوربان وئریشلر.

"خالقین دوشمنلرینه قارشى همیشه باریشماز انقلابی مؤوقعه دوران، آچیق فیکرلی و دئموکراتیک احوال- روحیه لی مینلرله مبارزلرین یتیشمه سینه و یوکسک معنوی صنعت لره مالک اولماسیندا آنالارین تربیه سی نین بؤیوک رولی واردیر. لاکین، آذربایجان قادینلاری نین خالق سعادتى بولوندا کی خدمتی بونولا بیتیمیر. اونلار آزادلیق حرکاتیندا اؤز ارلری و قارداشلاری ایله بیر سیرادا بلاواسطه اشتراک ائتمیشلر.

آذربایجان قادینلاری خصوصی ایله 1911-1905- جی ایللرده خارجی امپریالیستلره و فنودال اصول- اداره سینه قارشى ملی استقلالیت و دئموکراتیک قورولوش اوغروندا کی انقلابی حرکاتدا دفته شایان رول اوینامیشلار.

قادینلاریمیز مشروطه انقلابی نین بوتون مرحله لرینده و بوتون مبارزه فورمالاریندا ایستر سیلاخلی ووروشمالاردا ، ایسترسه ده میتینگلرده ، نمایشلرده و باشقا انقلابی چخیشلاردا فعال اشتراک ائتمیشلر. اعتبارلی منیعلره اساسلانان" ایرانین استقلالیت مبارزه سی اوغروندا " آدلی اثرین مولفی یازیرکی، تبریز ووروشمالارینا حصر اولونان فوتو شه کیلترین بیرینده اوزو رویندلی ، الی تفنگلی 60 قادین شکلی چه کیلمیشدیر . بو قادینلار تبریز سنکر لریندن بیرینی ساخلاییردیلار...

" حبل المتین" قرنتی نین یازدیغینا گؤره ، انقلابچی ستارخان عسگرلی ایله شاه اوردوسی آراسینداکی ووروشمالاردا بیرینده اولن انقلابچیلارین مثیلری آراسیندا کیشی پالتاری گئیمیش 20 قادینین مثیتی تاپیلیمیشدیر" {1}.

" 20- 1918- جی ایللرده، 45 - 1941- جی ایللرده و خصوصی ایله 21 آذر نهضتینده مؤوجود قورولوشون ده پیشدیرلمه سینده، شاهلیق اصول اداره سینه قارشى آذربایجانین کندلرینده قهرمانلیق لار گؤسته رن، سیلاخا ساریلان، اؤز قارداشلاری ایله بیرلیکده چی یین- چی یینه ووروشان فدائی قادینلاریمیز یوزلرله دیر.

1945- جی ایمل آذربایجانین بیر چوخ ماحللالریندا ... **آردی کلن سایدا**

ادامه زبان، مهمترین ابزار فرهنگ بشری از صفحه 4

را در این برهه زمانی حساس برای نظام بیافریند که در فضای کنونی که استکبار جهانی نقشه های پلیدی در سر می پرورد هرگز به صلاح نیست. منابع:

- 1-زمینه فرهنگ شناسی - دکتر محمد روح الامینی ص111
- 2-پیام یونسکو (unesco) شهرویر و مهر(36)
- 3-از کتاب : فرهنگ و نژاد پرستی، اثر هیلون دیوپ، فرانتس فانون، امه سهرز
- 4-خودآگاهی- استعمار-دکتر علی شریعتی-ص31-32
- و با استفاده از سرمقاله: روز جهانی زبان مادری، 2 اسفند84

ادامه آروز سولدوز، غیرتی به بزرگی آذربایجان بود از صفحه 3

پس از درگیری با نیروی بسیج جمعی از جوانان زخمی شده و مردم به شدت خشمگین بودند. دکتر پرویز محمدی استاد دانشگاه پیام نور به سخنرانی می پردازد. در این هنگام فرماندار حاضر شده و به زبان فارسی شروع به سخنرانی می کند و شعار (مرگ بر آمریکا) سر می دهد. مردم ضمن شگفتی از این اقدام بی مورد فرماندار و در اعتراض به حرفهای او که به زبان فارسی ادا می کرد، صحبت او را قطع کرده و نسبت به برگزاری راهپیمایی اصرار می ورزند. پس از مخالفت فرماندار ، به او سنگ پرتاب می کنند. پس از فرار فرماندار و همراهان او مردم ضمن سر دادن شعارهای (آذربایجان بیر اولسون، مرکزی تبریز اولسون) اتومبیل فرماندار را واژگون کرده و به آتش می کشند. نیروی انتظامی که در اداره ارشاد پناه گرفته بود، اقدام به پرتاب گاز اشک آور و گلوله های ساچمه ای می کند. مردم با پرتاب سنگ مقابله به مثل کرده و چندین بار با کپسولهای گاز اقدام به آتش زدن اداره ارشاد می کنند که این کار عملی نمی شود. پس از تخریب اداره ارشاد، نیروی انتظامی افراد خود را از صحنه به کنار می کشد.

پس از این حادثه در حالیکه آرامش نسبی بر مردم حاکم شده بود، یکی از مأمورین نیروی انتظامی با باتوم کودک 6 ساله ای را مضراب می کند. کودک 6 ساله از شدت ضربه وارده به سختی نفس می کشید. زنان که در مواجهه با این حادثه دلخراش خشمگین شده بودند، مورد تهاجم نیروهای انتظامی واقع می شوند. نیروی انتظامی با پرتاب گازهای اشک آور نسبت به پراکنده کردن زنان اقدام می کند. مردان در دفاع از زنان به مقابله با نیروهای انتظامی می پردازند و بدین شکل درگیری از سر گرفته می شود. نیروی انتظامی در برابر هجوم مردم متواری می شود. مردم برای اعلام انزجار از برخورد خشن نیروهای انتظامی و رفتار نامناسب فرماندار در حالیکه شعارهای (آذربایجان بیر اولسون، مرکزی تبریز اولسون)، (هر کس کی بی طرفدی ، فارسدان دا ...) ، (تورک دیلی غیرت دیلی، فارس دیلی ...) (آند اولسون ستارخان، قان سالارام تهران) و ... سر می دادند، به سوی فرمانداری به راه می افتند. قبل از آن که مردم به فرمانداری برسند، لباس شخصیهای ناشناخته توانستند تا مردم را به چندین دسته تقسیم کنند. گروهی از بلوار بهشتی و گروهی از طرف ژاندارمری به سوی فرمانداری حرکت می کنند.

گروه اول پس از رسیدن به فرمانداری با نیروهای ضد شورش که از قبل مستقر شده بودند، درگیر می شوند. آنها صف نیروهای ضد شورش را در هم شکسته و آنها را فراری می دهند. مردم خشمگین در صدد ورود به ساختمان فرمانداری بر می آیند که در این هنگام با شلیک گلوله نظامیان داخل فرمانداری متوقف می شوند . مردم به خاک و خون کشیده می شوند. (شهید همت اسم زاده) و خانواده اش که به دور از تظاهرکنندگان در آنجا حضور داشته اند، مورد ضرب گلوله قرار گرفته خودش شهید و مادر و دختر 9 ساله اش بر اثر اصابت گلوله نیروهای نظامی مجروح می شوند که تاکنون از این دو مجروح هیچ خبری در دست نیست. گلوله بر سینه دختر اصابت کرده و از پشت خارج شده بود. در هنگام درگیری کودک 13 ساله ای در حیاط فرمانداری به ضرب گلوله شهید شد و فرد دیگری به نام (عسگر قاسمی) که به منظور نجات کودک مذکور به داخل حیاط فرمانداری رفته بود، او نیز به ضرب گلوله به شهادت می رسد.



گروه دوم از تظاهرکنندگان که از خیابان ژاندارمری سابق می خواستند خود را به فرمانداری برسانند، در تقاطع 17 شهرویر با نیروهای یگان ضد شورش روبرو می شوند. نیروهای یگان ضد شورش با پرتاب گازهای اشک آور و گلوله های ساچمه ای به مردم حمله ور شده و آنها را از حرکت به سوی فرمانداری باز می دارند. در این هنگام چندین نفر از ناحیه های چشم و صورت مصدوم می شوند. پس از گذشت چند دقیقه مردم مقاوم سولدوز بار دیگر جمع شده و مصمم تر و به آرامی و سنگ در دست به جلو حرکت می کنند. مردم در صفوف منسجم نیروهای ضد شورش را بیش از 500 متر به عقب می رانند. در این حین تیراندازی شدیدی آغاز می شود. با شلیک هر گلوله ای، گلی پیر می شود. گلوله ها بر سر، گردن و سینه مردم برخورد می کند. نوجوان 17 ساله (توحید آدیون) که حافظ و قاری قرآن بود، به شهادت می رسد.

مردم با فرا رسیدن تاریکی و به منظور جلوگیری از افزایش تلفات پراکنده می شوند. زخمی ها برای درمان به بیمارستان منتقل می شوند. نیروهای اطلاعاتی که از قبل در بیمارستان جای گرفته اند، زخمی ها و جان باختگان را تحویل می گیرند. اجساد جان باختگان مخفی می شود. برای مجروحین جز در مواردی خاص و محدود هیچ مداوایی صورت نمی گیرد. کسانی که برای جویا شدن از حال بستگان مجروح خود به بیمارستان مراجعه می کنند، دستگیر و منتقل می شوند. بعضی از مراجعه کنندگان به بیمارستان، توسط نیروهای ضد شورش مستقر در بیمارستان به شدت مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. با فرا رسیدن شب، روز خونین سولدوز به پایان می رسد. امروز بیش از 10 نفر به شهادت رسیدند که بعدها تنها جسد 5 نفر از آنها به خانواده هایشان تحویل و تحت تدابیر امنیتی شدید و نظارت نیروهای نظامی دفن شدند. اسامی 2 تن دیگر از شهیدان حسین فتحی پور(دانش آموز دوم دبیرستان) و محمدعلی جنت نیا(65 ساله) می باشد.

نفر مفقود شدند که تاکنون اطلاعی از آنها در دست نیست . بیش از 50 نفر با گلوله زخمی شدند و بیش از 110 نفر هم با سنگ و گلوله های ساچمه ای مجروح شدند. حسین صنعتی، مهدی عزیز، حسین مرادی، بهرنگ داغستانی، حسین پیر آلا گوز، فرهاد پیرمحمدی، شهرام نوروزی، زینال ریماز، یحیی نوروزی، ایوب محبوبی، حسین مرادی، بهرنگ افشانی، علی ابراهیمی، محمد محمدی ... **ادامه در صفحه 7**



چاغداش ، بوگون یاشایان و حاقلارینی آلاماقا قرارلی اولان قادینلارین درگیسی. آذربایجان قادینلاری

ضد شورش مواجه شدند. خیابانها مملو از نیروهای نظامی بود و تجمع بیش از دو نفر هم غیر قانونی اعلام شده بود. در بعضی موارد پراکنده چندین نفر اقدام به سر دادن شعار کردند که بلافاصله توسط نیروهای نظامی بازداشت و منتقل شدند.

در طول چهار روز درگیری بین نیروهای نظامی و مردم بیش از 14 نفر شهید شدند. حداقل 200 نفر مجروح شدند که 100 نفر از آنها به اورمی منتقل و در بیمارستانهای عارفیان (بیمارستان سپاه) و بیمارستان امام خمینی بستری شدند. بیش از 200 نفر از اهالی غیور سولدوز بازداشت شدند که پس از تحمل چندین روز زندان با قرار وثیقه آزاد شدند. با اینحال بعضی از دستگیر شدگان تاکنون در زندان به سر می برند. سایت اینترنتی (بازتاب) وابسته به حکومت در روز جمعه تعداد جان باختگان را 6 تن اعلام کرد و لی پس از ساعاتی تعداد را 4 نفر اعلام کرد! فرمانده نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی نیز ضمن تأیید تنها 4 کشته از زخمی شدن تعدادی از نیروهای نظامی سخن راند.

پس از وقوع حوادث فاجعه آمیز سولدوز بسیاری از نیروهای نظامی شرکت کننده در سرکوب مردم به شهرهای دیگر از جمله اورمی منتقل شدند. بعضی از عاملان جنایت در سولدوز از ترس انتقام مردمی همچنان با چندین محافظ به سر می برند. گفته می شود که فرماندار شهر سولدوز به دلیل عدم برخورد شایسته و مدبرانه از مسیبن حوادث قلمداد شده و از سوی مراجع و مقامهای فوق مورد مؤاخذه قرار گرفته است. کمیته ای متشکل از مسئولین قضایی و نمایندگان مجلس شورا برای بررسی مسایل پیش آمده به سولدوز رفته و با جمعی از اهالی و اعضای شورای شهر به گفتگو نشستند. تاکنون از نتایج و روند بررسیهای مذکور هیچ گزارش و خبری منتشر نشده است!

خبر ، مقاله ، شعر ، نقاشی و ناغیلروری بیزه گونده رون. اؤزل قادین سیاسی توپولملارا باغلی اولمادیقی اوچون ، هر ایدبولوزی و منطق ایله یازلمیش اثرلری یایینلاماقا حاضریدیر. لطفاً سیزه عاید اولمایان متربالارین صاحبیین آدینی بیلدیرین.

بازیلار یازارین آدی ایله یایینلانیب و تانیبلاجاق. چشیتلی زمانلاردا یاریشمالار یایینلاجاق.

آذربایجان ، انسان حاقلاری و آنا دلی پتیشینلری

بو پتیشینلری امضالاماق هر آذربایجانلیا وطن بورجودور. امضالارین توپلانماسی چوخ یارارلی دیر. دونیا چاپیندا تانیتم، هایقیریش سسین دویورما، انسانلاریمیز و توپراقیمیزا صاحب چیخماق بونلاردان سایلیر. و داها اونملیسی بودور کی آرامیزدا بیرلیک یاراتیر. هر توپلوم و پارتیده اولان آذربایجانلی بو کامپانیالارا "هن" سولیبیب و امضا آتیب. بو تاییسیز بیر باشاری دیر. یاشاسین آذربایجان

پتیشینلر اینترنت اوزرینده یاییلیبلار و هر کس اونلاری امضالایا بیلیر. آشاغیدا یازیلان وب آدرسلی، آذربایجانا عاید اولان امضا کامپانیالاریندان بعضیلریدیر. اگر سیزین بیلدیقیز باشقا آدرسلی وارسا، بیزه یازین.

کوردلرین آذربایجانا سالدیرماسی اوچون یاپیلان پتیشین
<http://www.petitiononline.com/azeri>

آذربایجاندا اؤز ورن قالخیش و توتوقلورلارین سریست بوراخیلماسی اوچون یاپیلان پتیشین
<http://www.petitiononline.com/tumar>

کوردلرین (پ ک ک و پژاک) داش ماکی یا (ماکو) سالدیرما لارینی قیناماق و اونله مک اوچون یاپیلان پتیشین
<http://www.petitiononline.com/dashmaki>

آنا دیلیمیزی فوروماق اوچون یاپیلان پتیشین
<http://www.petitiononline.com/anadil>



یارالی ، ایکی طرف آغلیر. ندن بیتیمیر بو یهود - مسلمان مسیله سی

ادامه آروز سولدوز، غیرتی به بزرگی آذربایجان بود از صفحه 6

اسامی تعدادی از مجروحین روز پنجشنبه 4 خردادماه 85 شهر سولدوز می باشد.

سرهنگ قلی یوسف زاده معروف به آت قولو، سرگرد زیبایی، مهدی داندنه(بسیجی فعال) و قره چیوقی از جمله عاملان قتلها بودند و کسان دیگری که شناخته نشدند. همچنین سرهنگ محبی نیا برادر جهانبخش محبی نیا نماینده مجلس از شروع کنندگان و آمران اصلی سرکوب مردم به شمار می رود.

روز جمعه 5 خردادماه 1385:

صبح روز جمعه حوالی ساعت 5 تعدادی از شرکت کنندگان در تظاهرات با حمله نیروهای انتظامی به منازلشان بازداشت شدند.

جمعیتی چند هزار نفری در ساعت 10 صبح در مقابل دانشگاه پیام نور سولدوز تجمع کرده و شعار سر می دهند. برای برگزاری این تجمع قبلاً مجوز لازم اخذ شده بود ولی بعداً توسط فرمانداری لغو شده بود. تجمع کنندگان شعارگویان به سوی محل برگزاری نماز جمعه حرکت می کنند. گفته می شد که قرار است تا در پایان نماز جمعه جمعی بر علیه آمریکا و استکبار جهانی! شعار بگویند و فیلم آن به عنوان اعلام انزجار مردم سولدوز از حوادث روی داده از رادیو و تلویزیون استانی پخش شود. مردم برای جلوگیری از این اقدام به سوی محل برگزاری نماز جمعه حرکت می کنند که در میانه راه نیروهای ضد شورش فرا رسیده و در جلوی مردم صف کشیده و از مردم می خواهند تا متفرق شوند. مردم بی هیچ ترسی همچنان به پیش می رفتند. فرمانده یگان ضد شورش به مردم می گوید: (متفرق شوید، در غیر این صورت شلیک خواهیم کرد. ما حکم تیر داریم). مردم بی هیچ اعتنایی به پیش می رفتند. در این موقع یکی از نیروهای اطلاعاتی به مردم نزدیک شده و با یاد کردن سوگند می گوید: (به طرف منزل امام جمعه برویم و خواسته های شما را بر آورده خواهیم کرد). بسیاری از مردم در حالیکه قرآن در دست داشتند از خیابان دانشگاه به خیابان فتوحی رفتند. مردم در مقابل محل سکونت امام جمعه با صدای بلند می گفتند: (آذربایجان، شهیدلرین موبارک). (ارسی) با یک نفر دیگر به نمایندگی از سوی مردم برای انجام مذاکره و گفتگو به ستاد رفتند. نمایندگان در خواستههای مردم را به امام جمعه رساندند. درخواستهای اساسی مردم اینها بودند:

1- جان باختگان در حوادث اخیر شهید نامیده شوند. 2- همه بازداشت شدگان آزاد شوند. 3- از مردم سولدوز دلجویی شود.

اسامی بعضی از دستگیر شدگان عبارتند از: مهندس قلی بناوند، پرویز محمدی، میرعلی رضایی(مدرس زبان و ادبیات ترکی)، علی جلالی(مدیر آموزش و پرورش و عضو کمیسیون حل اختلاف) ، مهندس علوی(عضو شورای شهر نقه)، مهندس معین زاده و ...

به نمایندگان مردمی گفته می شود که ساعت 15:30 در همینجا (منزل امام جمعه) جمع شوید تا بازداشت شدگان را تحویل بگیرید. سپس حجت الاسلام حیدری زاد امام جمعه شهر، شخصاً با بلندگو به مردم می گوید: (به خداوند آسمان و زمین قسم می خورم که بازداشت شده ها را به شما تحویل می دهیم و خواسته هایتان را بدون جواب نخواهیم گذاشت).

وقتی که در ساعت 15:30 مردم جمع شدند، کسی از منزل امام جمعه گفت که نیم ساعت دیگر صبر کنید تا بازداشت شدگان را تحویل بگیرید. پس از گذشت نیم ساعت هیچ خبری نشد. باز گفتند به خدا قسم 1 ساعت مهلت دهید تا بازداشت شدگانتان را بیاورند. آنها تا ساعت 18 مردم را معطل نگه داشتند. بعداً معلوم شد که یگان ضد شورش قوشاچای (میانداوب) از مقابله با مردم سولدوز خودداری کرده بود. نیروهای مستقر در منزل امام جمعه دادن وعده منتظر بوده اند تا یگان ضد شورش از تهران برسد. یگان مذکور سراپا مجهز و مسلح از راه رسید. آنها سوار بر موتورهای بودند که از فاصله 5 متری به مردم شوک وارد می کرد و به زمین می کوبید.

نیروی ضد شورش که در داخل ستاد مستقر شده بود، اقدام به پرتاب گازهای اشک آور و شلیک هوایی کرد. مردم کپسولهای اشک آور را برداشته و به داخل ستاد می انداختند. بعضی از جوانان از قبل با الکل و بنزین بمبهای دستی ساخته و آماده کرده بودند. نیروهای ضد شورش درب ستاد را باز کرده و می خواستند بیرون بیایند. ولی مردم با پرتاب بمبهای دست ساز مانع بیرون آمدن آنها می شدند. برای مقابله با گازهای اشک آور و جلوگیری از سوزش چشمها چندین تیر لاستیک در مقابل ستاد به آتش کشیده شد.

بالاخره نیروهای ضد شورش از ستاد بیرون آمده و در فاصله 500 متری از مردم فرار گرفتند. آتش و دود همه خیابانهای اطراف را فرا گرفته بود. درگیری میان مردم و نیروهای ضد شورش از سر گرفته شد. مردم با پرتاب سنگ مقابل می کردند. درگیریها به کوچه کشیده شد. نیم ساعتی طول نکشید که تعداد نیروهای ضد شورش 10 برابر شدند. یگانهای از استانهای لرستان و فارس آورده بودند. به هیچ کس از زن و کودک ترحم نمی کردند. همه را به شدت کتک می زدند. آنها با شکستن درب و پنجره به خانه های مردم وارد شده و پس از کتک کاری اهالی منزل وسایل خانه را می شکستند. مردم حوالی ساعت 20 وقتی با فشار نیروهای نظامی به کتابخانه طباطبایی واقع در خیابان فتوحی رسیدند، آنجا را به آتش کشیدند. نیروهای ضد شورش نتوانستند مردم را متفرق کنند. حوالی ساعت 21 دو مینی بوس که حامل نیروهای سپاه بود، نیروهای را در مقابل کتابخانه طباطبایی پیاده کرد. آنها با تیراندازی به سوی مردم هجوم برده و آنها را به کوچه ها راندند. مردم در برابر رگبار گلوله ها به خانه ها پناه می بردند. در پایان یک روز دیگر که سراسر جنگ و گریز خیابانی بود، سه نفر دیگر شهید شده و بیش از 50 نفر زخمی شدند. حضور دختران و شیرزنان ترک سولدوزی در بطن حوادث و پیشاپیش صفهای مبارزه و مقاومت بسیار چشمگیر بوده است. زنان بلافاصله به سراغ مجروحین رفته و آنها را از صحنه درگیریها دور می کردند. آنها همچنین با روحیه بخششی، جوانان را به مقاومت بیشتر در برابر تهاجمات نیروهای انتظامی تشویق نموده و با جمع آوری سنگ که تنها وسیله دفاعی مردم بود، مردم را یاری می کردند. نیروهای نظامی تا دندان مسلح حکومتی در طول چند روز جنگ و خونریزی با اعمال خشونت بار و بی ترحم خود چهره واقعی آپارتاید فارس را به نمایش گذاشتند.

روز شنبه 6 خردادماه 1385:

روز شنبه بازار برای چهارمین روز متوالی تعطیل بود. مردم برای دفاع از حقوق خود می خواستند ساعت 18 در مقابل ستاد (محل سکونت امام جمعه) تجمع کنند. وقتی مردم از خانه های خود به خیابانها آمدند، با انبوه نظامیان و نیروهای

گونی آذربایجان قادینلارینین ایلک اینترنت درگیسی گونجل ، آیدین و گوجلو قادینلارا اوزل

درگینین باره سینده گوروشلروروی بیزه یازون. لطفاً دوشوندوقوز ده
بیشیکلیکر و آرتیریلماسیی گرکن بولوملر حاقیندا معلومات ورین. بو درگی
سپیزلره عایددیر. لطفاً اوز درگیزی و ینی مدیازی بالقیز بوراخمایین.
اوزل قادین ، آذربایجان قادینلارینا سسلنیر

اوزل

گونی آذربایجان قادینلارینین درگیسی

ایمام بایلدی



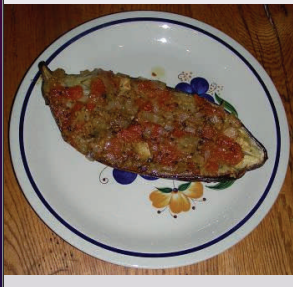
مواد لازم:
2 بادمجان
1 پیاز درشت
3 تا 4 عدد گوجه فرنگی
6 پر سیر خورد کرده
جعفری ریحان و شوید خورد شده
1.5 دسی لیتر روغن زیتون
1 فاشق چای خوری شکر
1 لیمو بزرگ
نمک و فلفل
نیم دسی لیتر آب

ظروف و وسایل لازم: یک قابلمه کوچک یک ظرف پیرکس برای چهار نصفه بادمجان
سعی کنید ظرف درست اندازه باشد یا حداقل زیاد بزرگ نباشد
طرز تهیه:

بادمجانها رو از درازا نصف کنید و روشن نمک بهاشید بذارین 20 تا 30 دقیقه بمونه ،
بعد عرقش رو با دستمال کاغذی خشک کنید. بادمجانها را توی ظرف پیرکس یا هر
ظرفی که بتونید توی فر بزارید قرار بدین، سعی کنید ظرف درست جا برای بادمجانها
داشته باشه تا بادمجانها خوب بهم بچسبن و چپ نشن. حالا با چاقو برش های
عمیقی در بادمجان بوجود بیارید بدون اینکه آنها را سوراخ کنید دقت کنید پوست آن
سوراخ نشود. برشها را به صورت ضرب دری ایجاد کنید. فر را تا 200 درجه گرم کنید در
ضمن پیاز را خورد کنید و گوجهها را در آب جوش فرو کنید و پوست آنها بکنید بعد به
قطعات کوچک خورد کنید. سیر و سبزیجات را هم خوب خورد کنید. بعد همه مواد
خورد شده را به غیر از بادمجانها با هم با کمی نمک، فلفل و یک کمی روغن و آب
لیمو خوب قاطی کنید و روی بادمجانها قرار بدهید روی ظرف را با کاغذ آلومینیوم
پوشانید و بعد اونو توی فر بزارید.

باقیمانده روغن را با نیم دسی لیتر آب و یک فاشق چای خوری شکر قاطی کنید.
پس از 20 دقیقه بادمجان را از داخل فر خارج کنید و مقداری از مخلوط آب و روغن را
روی آن بریزید و با چنگال کمی مواد را فشار بدهید

تا وارد بادمجان شود این کار را سه چهار بار در
طول طبخ انجام بدید و طرف رو توی فر قرار بدید
این غذا تقریباً بین 1.5 تا دو ساعت باید در فر بپزد.
فراموش نکنید هر بار که بادمجان را با مخلوط روغن
و آب آبیاری می کنید با چنگال مواد را به داخل
بادمجان فشار بدهید تا وقتی که بادمجانها پخت
و تمام شد باید مثل شکل زیر به صورت یک ملای
عش کرده کف ظرف ولو بشن. این غذا را می توانید
یا به عنوان پیش غذا یا حتی به صورت تنها سرو
کنید، اگر خواستید تنها استفاده کنید می توانید آنها
با نان سرو کنید.



باز گیسپلری ، بیکینیلر و اوزمه لباسلاری بو ایل داه
رنگلی و داه گوزل بازارلارا چیخدی. بو ایلین رنگلری
ساری، فیزیل و مور اوزرینده آلا بولا اولاراق ایشه
آلبینیدیر.
باز موسیمیندن بارارلانالار ، بو گیسپلرین داه
راحت اولدوقلارینی فوتوشورلار.



ینی گیم مدلری و ماکیاژ ملزومه لری



هماهنگ کردن اندازه لب و پا فرم دادن به آنها به وسیله آرایش:

1 - هنگامی که لب پایین نازک است، خط لب را پایینتر از خط معمولی لب میکشیم و آن را با رژ لب پر میکنیم. همچنین کمی واژلین یا برق لب به وسط لب پایین بمالید تا آن را برجسته تر جلوه دهد.



2 - وقتی لب بالا نازک است، خط لب بالا را بالاتر از خط معمولی لب میکشیم تا بهتر جلوه کند و با لب پایین تناسب داشته باشد.

3 - هنگامی که لبهای پایین و بالا نازک هستند، اندازه لبها را در بالا و پایین با مداد لب زیاد میکنیم و داخل خط را با رژ لب پر میکنیم که لبها پرتر به نظر آیند.

4 - برای لبهای پر و بزرگ نباید رژ لب خیلی روشن و جلب نظر کننده استفاده کرد. رژ لب مات برای این لبها بهتر از رژ لب براق است.

5 - دهان و لبهای کوچک را میتوان با کشیدن خطوط در اطراف دهان بزرگتر نشان داد.
6 - در فرم دهانی که گوشه های افتاده دارد میتوان خط لب را رو به بالا کشید و فرم دهان را اصلاح کرد.

7 - لبهای نامساوی را نیز میتوان با کشیدن خطوط در جاهای لازم یکنواخت نمود.
برای جلوگیری از مالیده شدن رژ لب بر روی دندانها میتوان از رویش زیر استفاده کرد:
انگشت اشاره خود را در دهانتان قرار دهید و



اوزل قادین درگیسی هر 15 گونده

بیر اینترنت اوزرینده باینلاناچاق. آنچاق گله
جکده کاغاذ اوزرینده باسیلا پیلیر. بو گون بیزیم
توپلومودا پر آلان قادینلار اوز حاقلارینا و اوز
گولرینه اینتامادان ، آذربایجان آذربایجان اولماز.

بیرلیکده بو توپلومو و بیزیم آذربایجانی باشادیب و
آیدینلیقا قاوشدوراف.
سیزه فوجاق آجان بو درگیسی یانلیز بوراخمایین.
بازیلار ، گوروشلر و تقیدلروروی بیزه یازین.

آد: اوزل قادین ، Special woman
باشلانچی: 2006
یابین: ایلک، 1 و 15 اینجی گون
باش مودور: پ - فرهادی
یاردیمچی مودور: جان کریگسون
یاپیلیش : پای بک
سوروملو: م - انتظار
تلفن : 00447838321255
Email: ozelqadin@gmail.com
کبی و قوللانا حاقلاری اوزل قادین درگیسینه عایدیر.